

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوهی عزاداری و اهداف آن از منظر دعای ندبه

نگارنده: علی ربانی

چکیده

با تمسک به فرازی از دعای ندبه می‌خواهیم بعد از تاکید بر استمرار عزاداری برای اهل بیت در همه اوقات، راه و روش مناسب را معرفی نموده و روشهای نامناسب را تذکر دهیم و با هدفمند کردن گریه و ماتم برای اهل بیت: و جهت دادن به آن، سمت و سوی بر پا نمودن خیمه‌ی عزا را مشخص نماییم.

مقدمه

عزاداری برای سید الشهداء و آثار آن بر بسیاری از منتظران پوشیده نیست اما میزان تاثیر این بکاء در انتظار نیازمند روشن شدن است. عزاداری تنها گریه بر گذشته تاریخ نیست بلکه نهضت عاشورا یک حرکت و تلاش برای رسیدن به آینده است.

حقیقت بکاء بر سید الشهداء جوشش خون غیرت در شاهرگهای روح و روان است که عامل حرکت و پویایی برای یک منتظر واقعی می‌شود. این خون باید همیشه در جریان باشد تا فرد حیات داشته و بتواند حرکت کند پس عزاداری تنها در یک دهه نباید باشد بلکه باید به صورت یک جریان در زندگی و در همه حال وجود داشته باشد.

ریشه یابی ظلم و شناخت ظالمان گذشته و حال و راه مقابله با ظلم را باید از مکتب عاشورا آموخت. استکبار عامل انحطاط در فرد و جامعه است. در درون هر فرد آنچه او را وادار به سرکشی و طغیان می‌کند، خودیت و منیت اوست که برای خواسته‌های خود حساب باز کرده و از خواسته‌های خدا و ولی‌اش غفلت نموده است. در جامعه نیز منیت ها و خواسته‌های جاه طلبانه گروه و حزبی و یا دولت و کشوری بر خواست خدا و ولی او سایه افکننده و ظلم را پدید آورده است.

دلیل ماتم و اندوه برای اهل بیت:

«لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وَلَدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ»¹ در نتیجه فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره هادیان خلق، یکی بعد از دیگری امثال نکردند و امت، کمر بر دشمنی آنها بسته و بر قطع رحم پیغمبر و دور کردن اولاد طاهرینش متفق شدند. جز خیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد و رسول را رعایت کردند. تا آنکه به ظلم ستمکاران امت، گروهی را کشته و جمعی اسیر و فرقه‌ای هم دور از وطن خود شدند.

عامل اصلی اندوه و حزن باید عدم امثال دستور پیامبر(ص) باشد. اهمیت دستور پیامبر(ص) به این است که دستور خدا است و اگر کسی فرمان پیامبر(ص) را نافرمانی کند در واقع از امر خدا سرپیچی نموده است. مهمتر آن است که چه دستوری نافرمانی شده باشد، گاه نافرمانی در یک مسئله جزئی مانند خوردنی‌ها است اما گاهی مسئله‌ای مهم است که رسالت پیامبر و هدایت به آن گره خورده است.

ادامه و تداوم رسالت به امثال این فرمان پیامبر بستگی داشت. هادیان بعد از پیامبر(ص) که افراد ناشناخته‌ای نبودند قرار بود زمام حکومت را به دست گرفته و ناخدای گشتی هدایت شوند. عده‌ای با ایجاد رعب و وحشت در بین مسلمانان، اهل بیت پیامبر(ص) را کنار گذاشته و با نیرنگ و فریب کینه‌ها و عقده‌های زمان جاهلیت را برگرداندند.

امتِ مرعوب، دست روی دست گذاشته و فرمان رسول خدا⁹ را نادیده گرفتند لذا در غضب حق اهل بیت و ظلم و ستم به آنها شریک شدند و دست به دست هم دادند تا تنها دختر پیامبر(ص) کشته شود، و نسل ایشان را منقطع نمایند و به جز عده اندکی بقیه در کشتن و اسارت و تبعید عزیزان پیامبر(ص) نقش داشتند.

این ظلم عظیم منشا ظلمهای دیگر و عامل سرگردانی امروز انسانها است. اگر زمام امور به اهلش سپرده می‌شد، جهالت‌های زمان جاهلیت می‌مرد و جاهلیت مدرن سر باز نمی‌کرد. جبت و طاغوت‌ها با این ظلم، به تمامی بشریت ظلم نمودند و بذری برای طغیانها و از بین بردن فضائل کاشتند که امروزه انسانها بیگانه با همه فضائل باشند.

¹. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص: 578

اهل بیت پیامبر: جامع تمامی فضائل و شرافتها می‌باشند. عده‌ای چشم دیدن نور افشانی خورشید اهل بیت را نداشتند و نه تنها چشمان سر و دل خود را به روی آنها بستند، بلکه دیگران را با نگه داشتن در تاریک خانه از برخورداری شدن از نور آنها محروم ساختند. هر چشمی تاب تماشای خورشید را ندارد اما چشم دل باید کور نباشد تا بتواند از نورانیت خورشید بهره ببرد.

اگر کسی حقیقت دور شدن از نور را درک کند، حزن و اندوه آنچنان بر او غالب می‌شود که بیشتر از آنکه بر مصائب اهل بیت: گریه کند بر حال نزار خویش و انسانهای محروم زمان خود باید مویه کند. این حزن باعث می‌شود انسان در جستجوی فردی از افراد اهل بیت: در زمان خویش برآید و با یافتن قائم آنها دل در گرو ظهور او قرار داده و با انتظار ظهور رشد و پویایی بدست آورد. از اینجا است که ارتباط این فراز از دعای ندبه با امام عصر 4 روشن می‌شود.

لزوم برپایی عزا و ماتم برای تمامی اهل بیت:

«فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَی اللّٰهُ عَلَیْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْتُكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلَيْتُكَ النَّادُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلَيْتُكَ الدُّمُوعُ، وَلِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضْجِ الضَّاجُونَ، وَيَعِجِ الْعَاجُونَ» پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی -صلی الله علیهما وآلهما- گریه کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجّه و شیون از دل برکشند.

این قسمت از دعا بعد از بیان مصائب اهل بیت می‌گوید بر مصائبی که این پاکان اهل بیت متحمل شده‌اند، باید گریست و تمام اهل بیت که متحمل مصیبت شده‌اند را شامل می‌شود. جهت نامگذاری این دعا به دعای ندبه برگرفته از همین فراز است.

نَدَبه اسم مصدر است و از ریشه نَدَبَ و در مورد اموات به معنی گریه و زاری برای مرده است با حالتی که خوبی‌ها و اوصاف نیک او ذکر شود و این ندا با واژه (وا) آغاز شود مثل: وا محمدا، وا علیا: «نَدَبَ المیتَ اُی بکی علیه، و عَدَدَ مَحَاسِنِهِ، یَنْدُبُهُ نَدْبًا؛ و الاسم النَّدْبَةُ، بالضم. ابن سیده: و نَدَبَ المیت بعد موته من غیر اَنْ یُقَيَّدَ بیکاء،

و هو من النَّدَبِ للجراح، لَأَنَّهُ اخْتِرَاقٌ وَ لَذَعٌ مِنَ الْحُزْنِ. وَ النَّدَبُ: أَنْ تَدْعُو النَّادِيَةَ الْمَيِّتَ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ فِي قَوْلِهَا: وَ
فُلَانُهُ وَ هُنَا وَ اسْمُ ذَلِكَ الْفِعْلِ: النَّدْبَةُ، وَ هُوَ مِنْ أَبْوَابِ النُّحُو؛ كُلُّ شَيْءٍ فِي نِدَائِهِ وَ فَهُوَ مِنْ بَابِ النَّدْبَةِ»²

«نَدَبَ الْمَيِّتَ: بَكَى عَلَيْهِ وَ عَدَدَ مُحَاسِنَهُ، يَنْدِبُهُ نَدْبًا. وَ النَّدَبُ: أَنْ تَذَكَرَ النَّائِحَةُ الْمَيِّتَ بِأَحْسَنِ أَوْصَافِهِ وَ أَعْمَالِهِ، وَ مِنْهُ
يَنْدُبْنَ أَمْوَاتَهُمْ» بضم الدال.³

دعای ندبه را حتی باید در چهار عید مهم فراموش نکرد و سفارش شده در اعیاد غدیر و قربان و فطر و جمعه،
این دعا خوانده شود. حزن و اندوه برای اهل بیت جهت سازندگی دارد و از این جهت است که روز عید هم
نباید قلب مومن خالی از این اندوه باشد.

در کلام امام سجاد⁷ منظور از اطائب اهل بیتند

امام در فرازی از دعای عرفه به تشریح اوصافی از اطائب اهل بیت می‌پردازند که از این اوصاف می‌توان پی به
مصادیق برد: «رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ، وَ
خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ
إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ»⁴ ای پروردگار من، بر اهل بیت طیبین او که آنان را برای قیام به امر خود
برگزیده‌ای و خازنان علم خود و حافظان دین خود و خلفای خود بر روی زمین و حجت‌های خود بر بندگان
قرار داده‌ای و آنان را به خواست خود از هر ناپاک پاک گردانیده‌ای و طریق رسیدن به مقام قرب خود و وصول
به بهشت ساخته‌ای، تحیت و درود بفرست.

². لسان العرب، ج 1، ص: 754

³. مجمع البحرين، ج 2، ص: 170

⁴. الصحيفة السجادية، ص: 218 فرازی از دعای حضرت در روز عرفه

یادآوری مصائب برای ندبه و گریه یکی از شیوه‌های عزاداری

روضه خوانی به روشی که مرسوم است با توجه به این دعا مورد تایید است چون روش خود این دعا همین گونه است که بعد از ذکر مصائب بر اهل بیت، گریه و ندبه و ضجه را سفارش می‌کند. گریاندن و گریستن مطلوب است اما شیوه‌ای که برای این مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد باید شیوه‌ای مورد تایید باشد.

استفاده از شیوه‌های نادرست برای عزاداری ولو متعارف و مرسوم شده باشد، مورد تایید اهل بیت نیست تا چه رسد به شیوه‌ای که مخالف موازین اسلامی باشد. استفاده از موسیقی در عزاداری اگر به صورت غنا باشد، حرام است و عزاداری آن را حلال نمی‌کند و اگر هم غنائی نباشد، باز دلیلی در تایید آن نداریم هر چند ایجاد کننده حزن باشد و منجر به جاری شدن اشک از دیدگان شود.

ابزاری که برای عزاداری به کار برده می‌شود نیز باید منجر به کار خلاف شرع نشود به طور مثال اگر صدای بلندگو موجب آزار و اذیت شود، جایز نیست از آن استفاده شود تا چه رسد به اینکه از برخی ابزار مانند طبل و دهل برای عزاداری استفاده شود که جز آزار کارکرد دیگری ندارد و اساساً حتی ایجاد حزن هم نمی‌کند.

تاکید اهل بیت بر گریه بر سید الشهداء⁷

قَالَ الرَّضَا⁷: «إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتَحَلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهُتِكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَ سُبَى فِيهِ ذَرَارِيُنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أَضْرَمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا وَ انْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلْنَا وَ لَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَنَا [يَا أَرْضُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثْتَنَا] الْكَرْبَ [وَ] الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ⁷ كَانَ أَبِي⁷ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمَ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ⁷»⁵

امام رضا⁷ فرمود: محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می‌دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و دُراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش به خیمه‌های ما زدند و آنچه بنه

⁵. الأمالی (لِلصَّدُوقِ)، النص، ص: 128

در آن بود چپاول کردند و در امر ما رعایتی از رسول خدا⁹ نکردند روز شهادت حسین⁷ چشم ما را زخم کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا به ما دچار ساخت تا روز قیامت بر مانند حسین باید گریست این گریه گناهان بزرگ را بریزد سپس فرمود پدرم را شیوه‌ای بود که چون محرم می‌شد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود در این روز حسین کشته شد.

ذکر گریه‌ها و نوحه‌ها

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الْطَالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ، که [ای پروردگار] کجاست حسن بن علی؟ کجاست حسین بن علی؟ آن پاکان و راستگویان عالم کجایند آنها که یکی بعد از دیگری، رهبر راه خدا و برگزیده از خلق خدا بودند؟ کجا رفتند تابان خورشیدها؟ کجایند آن فروزان ماهها؟ کجا رفتند ستارگان درخشان؟ کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش؟ کجاست حضرت بقیه الله که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود؟

مطالبات خویش را در این فراز از دعا با این ابراز می‌کنیم که گویای آن است که در حالت بکاء چه بگوییم و با چه ذکرى ندبه کنیم اما این الفاظ و کلمات خصوصیتی ندارد یعنی می‌توانیم از هر کلمات و جملاتی که تامین کننده‌ی این هدف باشند و با مضامین این بخش همخوانی داشته باشند، استفاده کنیم.

اهداف عزاداری

نوع خواسته‌های ما در غالب کلمات ندبه، ترسیم کننده‌ی هدف ما از عزاداری است. این فرازا به ما آموزش می‌دهد چه چیزی از خدا بخواهیم و هدف ما از عزاداری به شیوه‌ی ندبه چه چیزی باشد:

أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنَبِّرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُتَرَجِّى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيْنَ مُحِبِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ

کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده؟ کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریها را به راستی و درستی اصلاح کند؟ کجاست آنکه امیدواریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ کجاست آنکه برای تجدید فرائض و سنن اسلام که محو و فراموش گردیده؛ ذخیره است؟ کجاست آنکه برای برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده؟ کجاست آنکه آرزو مندیم کتاب و حدود آن را احیا سازد؟ کجاست آنکه دین، ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متعديان را در هم می شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را ویران می کند؟

- (1) خواهان نابودی ظالمان شویم
- (2) خواستار اصلاح کج رویها شویم
- (3) بخواهیم ظلم و دشمنیها ریشه کن شود
- (4) تلاش کنیم سنتهای فراموش شده بازیابی شود
- (5) بخواهیم دین، محور اصلی زندگیهایمان شود
- (6) کلام خدا را پاس داشته و حدود الهی را رعایت کنیم
- (7) در پی احیا و زنده نگه داشتن معالم دین باشیم
- (8) خواستار نابودی پایههای شرک و نفاق باشیم

أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسْقِ وَالْعِصْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكَذِبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى

کجاست آنکه فسق و عصیان و طغیان را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه برای کندن ریشه گمراهی و دشمنی مهیاست؟ کجاست آنکه اندیشه باطل و هواهای نفسانی را نابود می سازد؟ کجاست آنکه ریسمان دروغ و افتراء را قطع خواهد کرد؟ کجاست آنکه متکبران سرکش را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه مردم ملحد، معاند و گمراه کننده را بیچاره کند؟ کجاست آنکه دوستان را عزیز و دشمنان را ذلیل خواهد کرد؟

کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه و تقوی مجتمع می سازد؟

- (9) با اهل فسق و فجور دشمن باشیم

10) از هواپرستی دور بوده و با آن مبارزه کنیم

11) از دروغگویی مبرا بوده و به کسی تهمت نزنیم

12) با سرکشان عالم پیوند دوستی نبندیم

13) دوستان خدا را عزیز شمرده و دشمنان خدا را ذلیل شماریم

14) در رعایت تقوا یار و مددکار یکدیگر باشیم

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا

کجاست باب الهی که از آن وارد می شوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان به سوی او روی آوردند؟ کجاست آن وسیله که بین آسمان و زمین پیوسته است؟ کجاست صاحب روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت در عالم؟ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را خشنود می سازد؟

15) راه نجات را گم نکنیم و باب الله (امام) را بیابیم

16) از توجه به وجه الله (امام) روی نتابیم

17) با پیوند با امام، اتصالمان به عالم ملکوت را حفظ کنیم

18) خواستار پیروزی حق و پرچم هدایت باشیم

19) اهل خیر بوده و برای رفع حوائج دیگران تلاش کنیم

20) پاسدار خون همه‌ی شهدا از صدر اسلام تا به حال باشیم

تمامی اهداف عزاداری ما را به پیروی از امام معصوم و زمینه سازی برای ظهور دولت کریمه‌ی امام عصر⁴ دعوت می‌کند و در یک کلمه ما را به ظلم ستیزی فرا می‌خواند.

خون خواهی سید الشهداء⁷

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أِبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ⁶ کجاست آنکسی که از ظلم امت بر انبیاء و اولاد انبیاء دادخواهی می کند؟ کجاست آنکه انتقام خون شهید کربلا را خواهد گرفت؟

ظلم عظیمی که در ابتدا به آن اشاره کردیم، به جهت بزرگی و گستردگی اش تنها به دست توانای حضرت مهدی⁷ قابل ریشه کن شدن است. خونهای زیادی برای مقابله با این ظلم ریخته شده که ارزشمندترین آنها خون سید الشهداء⁷ و یاران باوفای ایشان بوده است. کسی که می آید تا طلب کند، « به چه جرمی گلوی طفل شش ماهه را بریدید»، مهدی است. او طلب کننده ی خون خداست و با حکومت عدل جهانی اش ثمرات خون تمامی انبیاء و فرزندان انبیاء را به بار خواهد نشاند.

⁶. المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص: 579